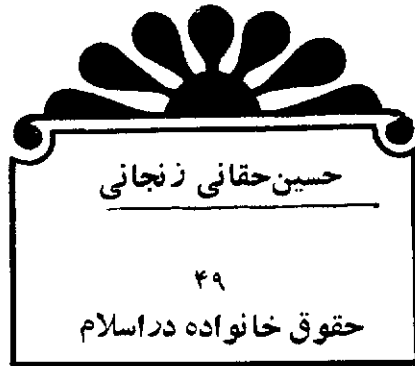


# زیانهای زیاده روی در محبت



که بر عهده هر شخصی کم و بیش گذارده شد است چشم پوشی نماید و علاوه بر این گاهی موجب بی نظمی و هرج و مرج در زندگی و یاسبب انحطاط روحی انسان می گردد و او را از سعادت و نیکبختی دور می سازد .

پیامبر گرامی اسلام فرمود: « اول چیزیکه خدا بخاطر آن مصیبت شد زن بود زیرا محبت بعد افراط نسبت بهمسر، موجب عصیان پروردگار عالم است »

\*\*\*

متأسفانه برخی از زنان و مردان در زندگی زناشویی دچار حالت افراط در جلب محبت از طرف دیگر شده بیهانه اینکه باید شوهر یا زن هر چه بیشتر بمن محبت بکنند تا دیگران نیز بدانند که من مورد محبت همسر قرار می گیرم موجب دلسردی زن یا مرد شده زندگی زناشویی را بناگامی و تلخی می کشانند غافل از اینکه اداهای کودکانه هرگز نمی تواند از اسباب جلب محبت و یا اسباب عقلائی نمایش وجود محبت بین آنان در نظر دیگران بوده باشد .

برای اینکه خوانندگان بدانند چگونه اطوار

افراط و زیاده روی در هر کاری ناپسند می باشد در مسئله محبت نیز افراط ، زیانهای غیر قابل جبرانی دارد .

محبت بیش از حد مرد نسبت بهمسر خود بطوریکه او را از انجام کارهای لازم زندگی باز دارد و محبت بیش از اندازه زن نسبت بشوهر خود ، مستلزم زیانهای زیاد خانوادگی می باشد .

در اسلام افراط در محبت از طرفین ( زن و شریک ) نهی شده و عبارتهای مختلفی زیانهای آن یادآوری شده است .

از جمله زیانها اینکه گاهی موجب نافرمانی خداوند میگردد . بدیهی است که محبت بین زن و شوهر وقتی پسندیده است که مستلزم تمدی بحقوق خالق و باعث نافرمانی خداوند نگردد زیرا افراط در محبت شوهر بهمسر چه بسا اقتضا می کند که از وظائف لازم خود، برای جلب رضایت همسرش ، کوتاهی کند و در انجام وظائف اجتماعی و انفرادی

# و انحصار طلبی

بعضی از زنان و مردان با اظهار محبت‌های مورد خود بجای اینکه پیوند زناشویی را محکم بند پاره می‌کنند نمونه اینگونه کارها را در مقاله زیر مطالعه می‌فرمائید .

و کم‌کم کار بالا گرفت در مقابل اگر من هم او را چه در میان جمع و چه تنها «فرخنده» صدامی‌زدم جواب نمی‌داد. حتماً بایستی «فی‌فی‌جون» بگویم که ترتیب اثر دهد ایکاش رنجها و کله‌هایم از هم‌سرم همین بود ... باز هم حرفهای گفتنی دارم :

زنم در هر محظلی میخواست دست بگردن من وارد شود و دست بگردن بیرون بیاید... من در مقام اعتراض بوی می‌گفتم این ادا شایسته‌زن و شوهری که مدتی باهم ازدواج کرده‌اند نیست ولی او می‌گفت نه جی‌جی . همه باید بدانند که تو مرا خیلی دوست داری. اگر تو اینطور بمن ابراز محبت نکنی دخترها و زنهای فامیل و آشنا خیال میکنند که تو دیگر مرا دوست نداری .

... و باز مجبور بودم که طی روز از محل کارم مرتب باو تلفن بزnm و هیچ توجه نداشت که من رئیس يك اداره هستم ارباب رجوع بسراغم می‌آیند و خواه نا خواه گفتگوی تلفنی را می‌شنوند ....

بچگانه موجب اختلاف‌زن و شوهر و تنفر و از جگر بین آندومی‌شود درد دل يك شوهر ناراحت از ادای همسر خود را از یاب نمونه از مطبوعات در اینجا نقل میکنیم :

«سه سال است که از از دو اجمان گذشته است خدا می‌داند که چه بصرم آورده است در این مدت کارهای عجیبی از او سر زده که مراد در میان دوستان و خویشان انگشت نما کرده است چند نمونه از کارهای او را برایتان شرح می‌دهم: من اسمم «جعفر» است همیشه خانواده و دوستانم مرا باین اسم صدا می‌زدند اما به محض اینکه ازدواج کردم شاید در همان روز یا هفته اول زناشویی زنم مرا «جی‌جی» صدا کرد اول حرفی نزدم فکر کردم خوب مایک زن و شوهر جوان هستیم، شاید این نشانه صمیمیت و دوستی باشد اما این کار ادامه پیدا کرد چه در مهمانی و چه وقتی به محل کار می‌آمد خود را الوس میکرد و میگفت جی‌جی بیا ..... جی‌جی برو ...

دیگری بوده صاحب تمام اوقات و فکر و کار او می باشد زیرا این کاربری همواره در ایام فراغت در کنار هم بودن و بکارهای دیگر سرگرم کننده نپرداختن غالباً بکنوع دلسردی و بکنواختی در زندگی و اختلافات گوناگون در میان زن و شوهر پدید می آورد .

آری نمیتوان اثر معجزه آسای برخی از انواع تصاحب طلبی و مظاهر آنرا در حیات زناشویی منکر شد زیرا هنگامیکه زنی بشوهرش نشان میدهد که وقتی از او دور می شود احساس غربت میکند بنحو دلپذیری محبت درونی خود را نسبت بشوهرش آشکار کرده اینکار موجب دلگرمی وی و باعث تشدید علاقه و محبت بین زن و شوهر می شود .

اما اگر زن بجای این گونه طرق معقول سعی کند وسائلی فراهم آورد که مانع دور شدن شوهر از کنار خود گردد بجای ایجاد محبت در دل شوهرش احساس نفرت را در او دامن خواهد زد. از ویژگی های این صفت ناپسند این است که انسان کمترین صفت نکوهیده را در خود تشخیص میدهد چه بسا زن یا مرد از این عارضه دائمی در زحمت و عذاب است امانه تنها حاضر باعتراف به آن نیست بلکه جالب اینکه هر يك از زن و مرد دیگری را به بی توجهی و بی علاقه ای متهم میسازند مثلاً گاهی دیده میشود زنی مرتباً بوسیله تلفن و یا غیر آن با شوهرش در محل کارش تماس میگیرد و همواره مراقب شوهرش می باشد که مبادا مقداری از اوقات بیکاری خود را یاد دیگران صرف کرده

\*\*\*

خوانندگان بعد از مطالعه در ددل بالا باید باین نکته خوب توجه کنند که خانواده بر اساس حفظ احترام و مراعات حقوق یکدیگر و تشریک مساعی باهمدیگر تشکیل یافته است اگر هر يك از زن و شوهر بخواهند از وظائف و حقوق خود پارا فراتر بگذارند و بحیثیت و شرف و شخصیت دیگری تعدی نمایند مسلماً پیوند زناشویی را تضعیف کرده، بدست خود عوامل پاشیدگی آنرا فراهم ساخته اند و این حقیقت مسلم است اگر مرد برای زن بصورت بازیچه در آید و یا بعکس، دیر یا زود بجای مهر و علاقه دریائی از نفرت در میان آن دو به تلاطم درمی آید و ارزش و اعتبار خود را طبعاً از دست می دهند ....

از این رو باید زن و مرد ارزشیابی دقیقی از اعمال و رفتار خود بعمل آورند و اگر هر يك در داد گاهی که در باطن خود تشکیل میدهند خلافی دیدند و نقاط ضعیفی در خود مشاهده نمودند با کمال شهامت در اصلاح خود بکوشند قطعاً این ارزشیابی انسان هم برای خانواده و هم برای جامعه عضو مفیدتری خواهد ساخت .

### انحصار طلبی و نشانه های آن

از جمله نقاط ضعف در زندگی زناشویی که مثل خورده ای پیکره جامعه خانوادگی را از هم دیگر می پاشد و مضمحل میکند انحصار طلبی است یعنی در انحصار در آوردن هر يك از زن و مرد دیگری را . زن و شوهر نباید تصور کنند که یکی ملك طلق

این بشود که مرد مقداری از وقت بیکاری خود را بمطالعه اختصاص دهد، بارها اتفاق افتاده که زن انحصارطلب کتاب را از دست شوهرش گرفته و او را از مطالعه درخانه در بعضی از اوقات بیکاری منع کرده است. حتی در مواردی اتفاق افتاده که همسر مردی سر سفره سبزی نمی گذارد او در مقام استدلال به شوهرش می گوید: غذایت را بخور... اگر قرار باشد نصف وقت را صرف خوردن سبزی و نان و پنیر کنی کی بامن حرف می زنی...، ولیکن شما خوانندگان عزیز می دانید که انسان تشنه آزادی است و برخی از زنها می خواهند آزادی انسانی شوهر خود را تامین کنند و در نتیجه همین فشار بیمار است که بعضی از شوهران به عملیات زیر زمینی دست می زنند... و موجبات فشار واضمحلال خانواده ها را فراهم می آورند.

## نخنان غمگین

کار سرچشمه سعادت است و خداوند سعادت

را تعیب کلیه کسانی میکند که همواره

بیکاری اشتغال دارند.

(فرانکلن)

در مجالس انس با رفقای خود شرکت کند بطوریکه برای دیگران چه بسا این فکر پیدا میشود که این مرد کاملاً بی وفا بوده خالی از محبت نسبت بهمسرش باشد. اینک ممکن است این موضوع مطرح گردد که این حالت روحی در برخی از زنها بر اثر همدردی با شوهر خود ناشی میگردد نه از انحصار طلبی آنان. خلاصه گاهی «انحصار طلبی» با «همدردی» اشتباه میشود.

در پاسخ ناچاریم بعضی از علائم و مظاهر بارز این صفت ناشایسته را در ذیل ذکر کنیم تا هر کس به آسانی با مقایسه آنها به خصوصیات روحی خود از این جهت پی ببرد و خود را مورد آزمایش قرار دهد و اگر از این صفات ناپسند نشانه‌های در خود ببیند بخاطر استواری خانواده خویش در اصطلاح خود بکوشد:

- ۱- بدون دلیل زن از نبودن شوهر خود در خانه ناراحت شده حتی حاضر نباشد یا استدلال و توضیح شوهرش در مورد علت غیبت گوش دهد.
- ۲- سعی در قطع رابطه دوستانه با دوستان قبل از ازدواج داشته باشد و بکار بردن انواع حیلها را در این مورد جایز بشمرد.
- ۳- هر بار که شوهر نگران و ناراحت باشد زنتش علت آنرا فقط زائیده کیفیت رابطه خود با او بداند و اصولاً خستگی ناشی از کار و سروکله زدن بسا سایرین در محیط بیرون را ندیده بگیرد.
- ۴- سعی دائمی زن برای از بین بردن آزادی شوهرش در کارهای مربوط بخودش مثلاً مانع از